فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی
سال شانزدهم، شماره ۴۵، بهار ۱۳۸۷، صفحات ۲۷ - ۵

ارزیابی فقر در استان سمنان طی برنامه‌های پنج ساله اول، دوم و سوم توسعه اقتصادی (۱۳۸۳-۱۳۶۸)

اسمعیل ابونوری* و نادر مالکی**

در این مطالعه سعی می‌شود به این سؤال اساسی پاسخ داده شود که آیا سه برنامه پنج ساله اول، دوم و سوم توسعه اقتصادی ایران (۱۳۸۳-۱۳۶۸) توانسته‌اند تغییری در فقر استان سمنان ایجاد کنند یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال، خط فقر، شاخص سرشمار، شاخص شکاف فقر و شاخص فوستر، گریر و توربک براساس آمار هزینه-درآمد خانوار و با استفاده از سیستم مخارج خطی (LES)[1] با روش رگرسیونهای به ظاهر غیرمرتبط تکراری (ISUR)[2] به تفکیک در مناطق شهری و روستایی استان سمنان طی سالهای (۱۳۸۳-۱۳۶۸) برآورد شده است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که خط فقر در مناطق شهری و روستایی استان طی دوره مورد نظر روندی صعودی دارد و خط فقر در مناطق شهری همواره بیش از مناطق روستایی است. همچنین نسبت افراد فقیر و عمق فقر در مناطق شهری و روستایی استان سمنان با اجرای برنامه اول توسعه اقتصادی افزایش و در طی برنامه دوم و سوم توسعه اقتصادی کاهش یافته است.

واژه‌های کلیدی: فقر، خط فقر، شاخص نسبت سرشمار و نسبت شکاف فقر، شاخص FGT.

* دکترای اقتصاد، دانشیار اقتصادسنجی و آمار بخش اقتصاد دانشگاه مازندران

** کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشگاه مازندران

1. Linear Expenditure System
2. Iterative Seeming Unrelated Regression

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-03]

۱. مقدمه

توجه به مسئله فقر و فقرزدایی یک موضوع جهانی بوده که ایران را نیز در برگرفته است. مطالعات کمّی و مدون در مورد فقر از اوایل قرن بیستم شروع شده است. از اواخر دهه ۱۹۷۰ به‌ویژه با شروع دهه ۱۹۸۰ به‌دلیل پذیرش برنامه اصلاح ساختاری، آزادسازی و خصوصی‌سازی توسط بسیاری از کشورهای جهان، فقر و حمایت از گروههای آسیب‌پذیر با شدت بیشتری مورد توجه قرار گرفت. بسیاری از اندیشمندان بر این گمان بودند که اجرای برنامه‌های اقتصادی ذکر شده، افراد فقیر و گروههای کم درآمد را افزایش می‌دهد. در پاسخ به چنین وضعی و به منظور جلوگیری از توسعه فقر، نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای اقدامات عملی را در پیش گرفتند، به‌طور مثال سازمان ملل دهه ۲۰۰۶-۱۹۹۷ را دهه ریشه‌کنی فقر نام نهاد.

با شروع برنامه اول توسعه (۱۳۷۲-۱۳۶۸) و آغاز برنامه تعدیل اقتصادی، بخشی از خانوارهای ایرانی در تأمین حداقل نیازهای خود دچار مشکل شدند. به همین دلیل در مورد فقر، اندازه آن و تأثیر سیاستهای مختلف اقتصادی بر فقر مطالعات فراوانی به صورت نظری در کشور صورت گرفته است تا ابعاد مختلف موضوع فقر در ایران بررسی شود. از بُعد عملی نیز برای مبارزه با فقر برنامه‌های توسعه، طرح ساماندهی اقتصادی و لایحه فقرزدایی تهیه و اجرا شده است اما این کوششها در نهایت به اقدامی موفق منتهی نشده است.

فقر به صورتهای مختلف تعریف شده و مفهوم آن طی زمان و بر اثر تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تغییر یافته است. تدوین و اجرای هر گونه سیاستهای توسعه اقتصادی و حمایتی برای اقشار فقیر و کم‌درآمد نیازمند تعریف مشخصی از فقر، میزان وسعت آن و شاخصهایی در زمینه فقر است، بنابراین مناسب‌ترین معیار برای برآورد تقریبی فقر، تخمین خط فقر و درصد افراد فقیر جامعه است.

مطالعه آماری فقر و تجزیه و تحلیل آن در سطح استان می‌تواند روش مناسبی برای راهنمایی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران برای تدوین برنامه‌های فقرزدایی باشد و حرکت به سوی توسعه پایدار و برنامه‌ریزی منطقه‌ای را آسان‌تر کند. با این رویکرد به نحوه تأثیر فقر می‌توان دریافت با گسترش فقر، تقاضای مؤثر در جامعه کاهش می‌یابد که این خود

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-03]

موجب کاهش تولید، اشتغال و نظایر آن می‌شود، پس شناسایی افراد فقیر و حمایت از آنها می‌تواند در رشد اقتصادی کشور مؤثر باشد. در این مقاله به این سؤالات پاسخ داده خواهد شد: خطوط فقر، شاخص فقر سرشمار، شاخص شکاف فقر و شاخص فوستر، گریر و توربک[1] طی سالهای ۱۳۸۳-۱۳۶۸ در استان سمنان چقدر بوده است؟ و آیا سه برنامه توسعه اقتصادی، تغییر معناداری در میزان فقر استان ایجاد کرده است؟

ابتدا مروری اجمالی بر پیشینه تجربی مطالعات در مورد فقر، مفاهیم فقر، انواع فقر، خط فقر و روشهای محاسبه فقر صورت می‌گیرد. در قسمت بعدی به داده‌های مورد استفاده در این تحقیق، روش برآورد مدل، برآورد خط فقر و شاخصهای فقر (نسبت سرشماری و نسبت شکاف فقر و شاخص فوستر، گریر و توربک) در مناطق شهری و روستایی استان سمنان طی سالهای (۱۳۸۳-۱۳۶۸) پرداخته خواهد شد و سپس با مقایسه شاخصهای فقر در برنامه‌های پنج ساله اول، دوم و سوم توسعه اقتصادی به هدف اصلی یعنی ارزیابی فقر در استان سمنان پرداخته می‌شود.

۲. مروری اجمالی بر پیشینه تجربی مطالعات در مورد فقر

هر چند مسئله فقر و فقیر به سالهای دور زندگی بشر باز می‌گردد اما ویلیام پتی[2] در قرن هفدهم میلادی در کتاب حساب سیاسی خود فقرزدایی را مورد مطالعه قرار داده است. اقتصاددان مکتب کلاسیک، ریکاردو و مالتوس[3]، به علت رشد سریع جمعیت کاهش سود و بازدهی نزولی زمین، به وضع زندگی در آینده بدبین بودند و پیش‌بینی کردند در آینده فقر گسترش می‌یابد. اقتصاددانان خوش‌بین این مکتب پیشرفت فن‌آوری را عامل کاهش فقر می‌دانستند. اقتصاددانان نئوکلاسیک (مانند مارشال[4]) توسعه و افزایش بهره‌وری را عامل کاهش فقر می‌دانستند و عقیده داشتند که باید نتایج پیشرفت در بین اقشار مختلف جامعه توزیع شود، در غیر این صورت موجب فقر در جامعه می‌شود. طبق اظهارات شوبرت[5] (۱۹۹۴) نخستین تلاشها برای اندازه‌گیری فقر، حدود ۱۰۰ سال قبل توسط بوت

1. Foster, Greer, Thorbecke Index
2. William Petty
3. Malthus
4. Marshall
5. Schubert

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-03]

(۱۸۸۹) و راونتری[1] (۱۹۰۱) انجام شده است. در قرن جدید نیز با اعلامیه هزاره سازمان ملل متحد (۲۰۰۰) که به وسیله بزرگترین نشست سران کشورها در طول تاریخ ارائه شد، کشورهای غنی و فقیر متعهد شده‌اند که هرچه در توان دارند برای ریشه کن کردن فقر انجام دهند.

مطالعات انجام شده پیرامون فقر در ایران اولین بار به صورت جامع و علمی توسط دکتر عظیمی (۱۳۵۵) با بررسی فقر و محاسبه خط فقر در کشور انجام شد. خسروی‌نژاد (۱۳۷۴) به برآورد سیستم مخارج خطی(LES) تقاضا برای خانوارهای شهری ایران پرداخت. غلامی (۱۳۷۷) برای بررسی مقایسه‌ای فقر در مناطق شهری استان مازندران و کشور از مدل سیستم مخارج خطی استفاده کرد. صمدی (۱۳۷۸) به مطالعه کاهش فقر، کارایی و نابرابری در ایران با استفاده از الگوی سیستم مخارج خطی پرداخت. نادران و همکاران (۱۳۷۹) با سیستم مخارج خطی، ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی خانوارهای شهری استان مازندران را بررسی کردند.

۳. تعریف فقر

فقر پدیده‌ای چند بُعدی است به همین دلیل به صورتهای مختلف تعریف شده است البته این تعاریف بر حسب مکان و زمان متفاوت هستند. تانسند[2] (۱۹۸۵) فقر را به این صورت تعریف کرده است: "افراد، خانواده‌ها و گروههای جمعیتی را زمانی می‌توان فقیر به حساب آورد که با نبودِ منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیتها و شرایط و امکانات معمول زندگی مواجه باشند". آمارتیاسن[3] (۱۹۷۶) در مطالعات خود اشاره کرده که تمام تعاریف ارائه شده در مورد فقر به نوعی محرومیت اشاره می‌کنند. محرومیت خود یک مفهوم نسبی است که ممکن است در مکانها و زمانهای متفاوت، به شیوه‌ای مختلف تعریف شود. به این معنی که در یک کشور در حال توسعه ممکن است فقر، محرومیت از امکانات نظیر غذا، مسکن، دارو تلقی شود که برای ادامه حیات ضروری

1. Rowntree
2. Townsand
3. Sen

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-03]

است. در حالی‌که در یک کشور توسعه یافته بر محرومیت نسبی از شرایط و امکانات یک زندگی متوسط دلالت دارد.

الف- فقر مطلق: یک موضوع عینی و متضمن تعریف علمی است که بر پایه حداقل معاش (حداقل نیازهایی که برای حفظ زندگی لازم است) شکل گرفته است. اگر فردی در سطحی کمتر از این حداقل باشد توان لازم برای ادامه زندگی را نخواهد داشت. بنابراین تعریف فقر مطلق بستگی به چگونگی تعریف حداقل معاش دارد.

ب- فقر نسبی: فقر نسبی یعنی ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی، لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود و یک موضوع نسبی است. فقر فقط به دلیل نبودِ منابع برای تأمین نیازهای اساسی نیست بلکه از کمبود منابع برای دسترسی فرد به حداقل استاندارد زندگی حاصل می‌شود. در تعریف فقر نسبی به نابرابری در توزیع درآمد بیش از میزان مطلق درآمد افراد توجه می‌شود. این مفهوم در کشورهای متفاوت به صورتهای مختلف تعریف می‌شود و طی زمان بر اثر تحولات اقتصادی تغییر یافته است. این تعریف در هر حال عده‌ای از افراد جامعه را فقیر می‌داند و مشکل فقر را به صورت یک مسئله دائمی و صرف نظر از درجه پیشرفت و رفاه در می‌آورد.

ج- فقر ذهنی: فقر علاوه بر جنبه قابل مشاهده، جنبه ذهنی نیز دارد. کم نیستند افرادی که با وجود داشتن درآمد بالاتر از خط فقر (مطلق و نسبی) خود را فقیر می‌دانند.

با توجه به تعاریف یادشده فقر به شرایطی گفته می‌شود که فرد یا خانوار از حداقل معاش برخوردار نباشد اما حداقل معاش تعریف واحدی ندارد. کوچکترین تغییر در مفهوم حداقل معاش موجب تغییر اساسی در اندازه فقر می‌شود. پس از تعریف و تعیین حداقل معاش، شرایط برای محاسبه ریالی آن فراهم می‌شود. هزینه ریالی تأمین حداقل معاش به خط فقر موسوم است.

۱-۳. رویکرد درآمدی فقر

رویکردهای فقر درآمدی در اصل یک بُعدی هستند و فقط برحسب درآمد یا مصرف ارزیابی می‌شوند. مزیت اطلاعات درآمد - هزینه این است که چون از نمونه‌های استانی و کشوری جمع‌آوری شده است وضع فقر در استان و کشور را نمایان می‌کند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-03]

۲-۳. رویکرد قابلیتی فقر

این رویکرد، فقر را بر حسب شاخصهای انسانی و اجتماعی ارزیابی می‌کند که علاوه بر دسترسی به تغذیه کافی و مسکن مناسب به خدمات بهداشتی، آموزشی و مشارکت در تصمیم‌گیری نیز توجه شده است.

بانک جهانی (۲۰۰۱-۲۰۰۰) مفهوم فقر را به گونه‌ای بسط داده که علاوه بر محرومیت مادی، محرومیتهای غیرمادی مانند آموزش، بهداشت، آسیب‌پذیری، در معرض خطر بودن و بی‌پناهی را در برمی‌گیرد. این محرومیت و آسیب‌پذیریها به گفته آمارتیاسن، قابلیتهای انسان را محدود می‌کنند و آزادی او را برای زندگی مطابق با ارزشهایی که به آن اعتقاد دارد، سلب می‌کنند.

۳-۳. رویکردهای ترکیبی

این رویکرد، ترکیبی از شاخصهای درآمدی و قابلیتی است. با توجه به اینکه داده‌ها برای تعیین الگوهای فقر وجود داشته باشد یا نه و چه کیفیتی دارند، برای کشورها متفاوت است. مشکل اساسی این شاخص و شاخصهای درآمدی و زیستی در اندازه وزن‌دهی است که نمی‌توان به یک راه حل مناسب دست یافت. شاخص توسعه انسانی[1] و شاخص فقر انسانی[2] نمونه‌ای از رویکردهای ترکیبی هستند.

برنامه توسعه سازمان ملل[3] (۱۹۹۰) شاخص ترکیبی به نام شاخص توسعه انسانی و شاخص فقر انسانی را معرفی کرد. شاخص توسعه انسانی بر سه مؤلفه استوار است: طول عمر که بر اساس امید به زندگی در ابتدای تولد تعریف می‌شود، میزان آموزش و باسوادی و سطح زندگی که بر حسب تولید ناخالص داخلی سرانه و قدرت خرید تعیین می‌شود و شاخص توسعه انسانی که محرومیت زندگی را از سه بُعد منعکس می‌کند؛ طول عمر، دانش و سطح زندگی. شاخص توسعه انسانی میزان پیشرفت و توسعه انسانی یک کشور و شاخص فقر انسانی میزان محرومیت کشور را اندازه‌گیری می‌کند.

1. Human Development Index (HDP)
2. Human Poverty Index (HPI)
3. United Nations Development Programme (UNDP)

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-03]

۴. تعاریف خط فقر و نحوه اندازه‌گیری آن

در تحلیل پدیده فقر یکی از سؤالات محوری این است که چگونه می‌توان افراد فقیر را از غیرفقیر باز شناخت؟ برای این منظور ابتدا باید فقر را تعریف کرد. برای تعیین فقیر از غیرفقیر ابتدا باید آستانه‌ای از امکانات خانوار را تعریف کرد. این آستانه امکانات همان خط فقر است. این آستانه را می‌توان براساس واحد پولی و حداقل مخارج برای ارائه حداقل معاش تعریف کرد اما حداقل معاش خود کاملاً روشن نیست. همین ابهام موجب شده است که تعاریف مختلفی از فقر و خط فقر ارائه شود. خط فقر عبارت است از مخارجی که یک فرد در یک زمان و مکان معین برای دسترسی به یک سطح حداقل رفاه متحمل می‌شود. افرادی که به این سطح رفاه دسترسی ندارند فقیر نامیده می‌شوند و کسانی که به این سطح حداقل دسترسی دارند غیرفقیر هستند (راوالیون[1] ۱۹۹۸) بعضی از محققان حداقل معاش برای ادامه حیات را بر حسب میزان انرژی و پروتئین مورد نیاز بدن تعریف می‌کنند. با توجه به مفهوم مطلق یا نسبی بودن فقر، آستانه‌ای (خطر فقر) تعریف می‌شود که مرز بین فقیران و سایر افراد جامعه را مشخص می‌کند. خط فقر نیز دارای دو مفهوم مطلق و نسبی است که انتخاب هر یک از این دو، در سیاستهای عملی فقرزدایی حائز اهمیت است.

طبق تعریف ابوالفتحی (۱۳۷۱) خط فقر مطلق عبارت است از مقدار درآمدی که با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی جامعهٔ مورد بررسی، برای تأمین حداقل نیازهای افراد (مانند غذا، پوشاک، مسکن و نظایر آنها) لازم است یا حداقل شرایطی (مانند حداقل میزان درآمد، تحصیلات، مسکن و نظایر آن) است که نبودِ امکان تأمین آن موجب فقیر در نظر گرفته شدن فرد می‌شود، این روش تعیین خط فقر را روش نیازهای اساسی[2] می‌گویند.

خط فقر نسبی به صورت درصد معینی (یا میانگین) از درآمد جامعه یا به شکل یک مرز درآمدی که درصد معینی از افراد جامعه پایین‌تر از آن قرار می‌گیرند، تعریف می‌شود. انتخاب خط فقر نسبی موجب می‌شود که همواره در جامعه عده‌ای از افراد به

1. Ravallion
2. Basic-Needs Approach

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-03]

عنوان فقیر معرفی شوند. ساهیل[1] (۱۹۸۸) در مورد فقر نسبی این طور بیان می‌کند که هر قدر هم کل درآمد و درآمد متوسط افراد جامعه افزایش یابد، فقر به مفهوم نسبی کلمه، همیشه با ما خواهد بود.

خط فقر ذهنی نیز با توجه به سطوح درآمد تجربه شده توسط افرادی که پایین‌تر از سطح حداقل تجربه شده قبلی قرار داشته باشد، بیان می‌شود و خط فقر جنبه ذهنی دارد تا عینی. برای محاسبه خط فقر ذهنی معمولاً حداقل درآمد مورد نیاز بر درآمد خانوار و بعد خانوار برازش می‌شود.

با توجه به اینکه کدام مفهوم از فقر مورد نظر باشد روش محاسبه فرق خواهد داشت. برای مثال توجه به مفهوم مطلق، نسبی یا ذهنی و فقر هر کدام می‌تواند تعیین‌کننده روش محاسبه خط فقر باشد. خط فقر مربوط به این پژوهش را به این صورت تعریف می‌کنیم، مخارجی که یک فرد در یک زمان و مکان معین برای دسترسی به یک سطح حداقل نیازهای اساسی متحمل می‌شود. افرادی که به این سطح دسترسی ندارند فقیر و کسانی که به این سطحِ حداقل و بالاتر از آن دسترسی دارند غیر فقیر تلقی می‌شوند.

۱-۴. شاخص نسبت سرشمار (نرخ فقر)

طبق اظهارات راوالیون (۱۹۹۴) رایج‌ترین روش اندازه‌گیری فقر که تا سال ۱۹۷۰ کاربردی‌ترین شاخص محاسبه فقر بوده و نشان‌دهنده نسبت تعداد افراد فقیر به کل افراد جامعه (چه نسبتی از افراد جامعه مورد مطالعه در زیر خط فقر به سر می‌برند) است و فقط بیان‌کننده تعداد افراد فقیر است به این صورت تعریف می‌شود:

$$H = \frac{q}{n} \qquad (۱)$$

q تعداد افراد (خانوار) زیرخط فقر و n تعداد افراد (خانوار) جامعه است. اندازه این شاخص بین صفرتا یک تغییر می‌کند. زمانی این شاخص صفر است که درآمد تمام افراد جامعه از خط فقر برآورد شده آن جامعه بیشتر باشد. در شرایطی برابر با یک است که تمام افراد جامعه زیرخط فقر زندگی کنند.

1. Sawhill

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-03]

۲-۴. شاخص شکاف فقر

این شاخص بر فاصله کلی فقرا نسبت به خط فقر مبتنی است که نشان‌دهنده عمق فقر است. به‌عبارتی این شکاف میانگین شکاف فقر در جامعه است (شکاف فقر برای افراد غیرفقیر صفر خواهد بود). همچنین شاخص شکاف فقر به‌عنوان معرفی برای مقدار درآمد انتقالی لازم به فقیران است تا درآمد آنها را حداقل تا خط فقر بالا ببرد.

$$Pgap = \frac{1}{n}\sum_{i=1}^{q}\frac{(z - x_i)}{z} = HI = \frac{q}{n}\frac{(z - \mu^*)}{z} \qquad (۲)$$

μ^* میانگین درآمد افراد فقیر، n تعداد افراد جامعه، q تعداد افراد فقیر، z خط فقر و x_i درآمد i امین فرد فقیر است. این شاخص ارائه دهنده وسعت فقر است. اگر در دو گروه مختلف شاخص فقر، نسبت سرشمار یکسان باشد در این صورت براساس شاخص شکاف فقر، فقر در گروهی بیشتر است که به نسبت، دارای تعداد اعضای بیشتری است که از خط فقر فاصله زیادی دارند.

۳-۴. شاخص فوستر، گریر و توربک (FGT)

این شاخص نشان‌دهنده نسبت افراد فقیر و عمق فقر در جامعه مورد مطالعه است که توسط فوستر، گریر وتوربک (۱۹۸۴) پیشنهاد شده است. آنها تجزیه‌پذیری را از ویژگیهای مهم یک شاخص فقر مطلوب می‌دانستند. می‌توان میزان فقر حاصل از بررسی زیرگروههای مختلف جمعیت را با هم جمع کرد و به میزان واحدی از فقر کل جمعیت دست یافت. این شاخص را به این صورت معرفی کردند:

$$FGT_{\ a} = \frac{1}{n}\sum_{i=1}^{q}\frac{(z - x_i)^a}{z^a} \qquad (۳)$$

در این شاخص فقر در اصل به عنوان تابعی از نسبت شکاف فقر عنوان شده که به توان a رسیده است. در آن $a \geq 0$ میزان تنفر و گریز از فقر در جامعه را نشان می‌دهد. هر چه مقدار آن بیشتر باشد به این معنی است که جامعه از فقر گریزان‌تر بوده و باید به فقیرترین

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-03]

افراد اهمیت بیشتری داده شود. اگر پارامتر a صفر باشد این شاخص، به شاخص سرشمار و اگر برابر با یک باشد، این شاخص به شاخص شکاف فقر تبدیل می‌شود. اگر این پارامتر برابر با دو باشد یعنی حساسیت بیشتری به عمق فقر نشان می‌دهد و به شاخص FGT تبدیل می‌شود.

$$FGT_{۲} = \frac{۱}{n}\sum_{i=۱}^{q}\frac{(z - x_i)^{۲}}{z^{۲}} \qquad (۴)$$

۵. داده‌های مورد استفاده

در این تحقیق برای برآورد خط فقر و شاخصهای فقر، از آمار و اطلاعات هزینه - درآمد، سطح قیمت و داده‌های خام آماری خانوارهای شهری و روستایی استان سمنان طی سه برنامه توسعه اقتصادی (۱۳۸۳-۱۳۶۸) که توسط مرکز آمار ایران منتشر می‌شود، استفاده شده است. در بررسی رفتار مصرفی خانوار، کل مخارج مصرفی خانوارهای شهری و روستایی به هشت گروه کالایی خوراکیها و دخانیات، پوشاک، مسکن، لوازم و خدمات در منزل، بهداشت و درمان، حمل و نقل و ارتباطات، تفریح و تحصیل و کالاها و خدمات متفرقه تقسیم می‌شود.

۶. روش پژوهش

در این تحقیق خط فقر و شاخصهای فقر، براساس آمار و اطلاعات بودجه خانوارهای شهری و روستایی استان سمنان طی سه برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی (۱۳۸۳-۱۳۶۸) با استفاده از سیستم مخارج خطی با روش رگرسیونهای به ظاهر غیرمرتبط تکراری برآورد شده است.

۷. محاسبه خط فقر

در روش سیستم مخارج خطی بر اساس اطلاعات مصرف خانوارها، خط فقر با استفاده از پارامترهای تخمین‌زده شده در تابع تقاضا به دست می‌آید. مراحل استخراج خط فقر به این صورت است:

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-03]

الف- انتخاب تابع مطلوبیت: با توجه به فروض اصلی رفتار مصرف‌کننده، باید تابع مطلوبیتی براساس هدف انتخاب شود. بهترین تابع مطلوبیت برای استخراج رابطه تقاضا و سپس تعیین خط فقر، تابع مطلوبیت استون-گری[1] است. این تابع مطلوبیت برای سبد دو کالایی به این صورت ارائه می‌شود:

$$U = [q_1 - \gamma_1]^{\beta_1} [q_2 - \gamma]^{\beta_2} \qquad (۵)$$

قیود این تابع عبارت‌اند از:

$$(q_i - \gamma_i) > 0 \text{ و } 0 < \beta_i < 1 \text{ ، } \beta_1 + \beta_2 = 1 \qquad (۶)$$

یعنی تقاضای کالای iام از سطح حداقل معاش کمتر نباشد. در این رابطه U سطح مطلوبیت، q_i مقدار مصرف کالای iام، β_i نشان دهنده سهم نسبی کالای iام پس از در نظرگرفتن سطح حداقل مصرف در تابع مطلوبیت و γ_i حداقل میزان مصرف از کالای iام است.

ب- تعیین تابع تقاضا: در تحقیقات تجربی یکی از روشهای مطالعات تقاضا برآورد سیستمی آن است. توابع سیستمی تقاضا، به اختصاص کل هزینه بین کالاها مربوط می‌شود که به طور همزمان، تقاضای هر کالا با قیمت آن کالا، قیمت سایر کالاها و درآمد در ارتباط است. کالاهای سبد مصرفی خانوار به هشت گروه مهم، خوراک و دخانیات، پوشاک، مسکن، کالا و خدمات منزل، حمل و نقل و ارتباطات، بهداشت و درمان، تفریح و تحصیل و کالاها و خدمات متفرقه تقسیم شده است. بنابراین هشت معادله مربوط به این کالاها نوشته می‌شود. تابع تقاضا برای دو کالا (q_1, q_2) بر حسب ارزشهای پولی به این صورت به دست می‌آید که تابعی از قیمت آن کالا، قیمت کالای دیگر و مخارج کل مصرف کننده (درآمد) است. می‌توان این روابط را برای تعداد کالاهای بیشتری نیز تعمیم داد:

1. Stone and Geary

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-03]

$$E_1 = q_1 p_1 = \gamma_1 p_1 + \beta_1[M - p_1\gamma_1 - p_2\gamma_2]$$
$$E_2 = q_2 p_2 = \gamma_2 p_2 + \beta_2[M - p_1\gamma_1 - p_2\gamma_2] \quad (۷)$$

M کل مخارج مصرفی دوره مورد مطالعه

ج- تخمین پارامترهای تابع تقاضا: در این مرحله پارامترها (β_i ، γ_i) بر اساس مقادیر داده شده تقاضا، قیمتها و درآمد برآورد می‌شوند. برای برآورد پارامترها یکی از این معادلات حذف می‌شود، به عنوان مثال معادله هشتم حذف می‌شود و از آنجا که $\sum \beta_i = 1$ است، پس ضریب مخارج فرامعیشتی برای گروه کالایی کالاها و خدمات متفرقه به این صورت به دست می‌آید.

$$\beta_8 = 1 - \sum_{1}^{7} \beta_i \quad (۸)$$

۱-۷. سیستم مخارج خطی

سیستم مخارج خطی در مقایسه با یک دستگاه عادی از سیستم های تقاضا، تعداد زیادی از پارامترهای قابل تخمین را کاهش می‌دهد که باعث بالا بردن درجه آزادی و کاهش داده‌های مورد نیاز می‌شود و تفسیر ضرایب را آسان می‌کند. روش یادشده با تکیه بر نظریه رفتار مصرف‌کننده و تحلیل تقاضا برای گروههای مهم کالا، با به‌کارگیری داده‌های موجود، به برآورد خط فقر می‌پردازد. سیستم مخارج خطی از تابع مطلوبیت کلاین و روبین[1] (۱۹۴۸) استخراج می‌شود، استون و گری (۱۹۵۴) اولین بار به صورت تجربی با استفاده از تابع مطلوبیت ذکر شده، دستگاه مخارج خطی را مبنای مطالعه دستگاه معادلات تقاضا بر روی داده‌هایی از کشور انگلستان قرار دادند.

حال در این تحقیق برای برآورد پارامترهای سیستم مخارج خطی در مناطق شهری و روستایی استان سمنان با روش رگرسیونهای به ظاهر غیرمرتبط تکرای و به کمک نرم‌افزار کامپیوتری Eviews مراحل یاد شده را به ترتیب اجرا و نتایج برازش آماری سیستم

1. Klein and Rubin

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-03]

مخارج خطی برای مناطق شهری و روستایی استان سمنان در جدولهای (۱) و (۲) نشان داده شده است.

جدول ۱. برآورد پارامترهای سیستم مخارج خطی خانوارهای شهری استان سمنان

گروه کالا / پارامترها	خوراک و دخانیات	پوشاک	مسکن	کالا و خدمات در منزل	حمل و نقل و ارتباطات	بهداشت و درمان	تفریح و تحصیل	کالاها و خدمات متفرقه
β_i	۰/۱۷۶۳۹	۰/۰۰۹۴۶	۰/۳۶۴۴۲	۰/۰۴۸۳۶	۰/۰۶۳۲۳	۰/۱۵۳۷۷	۰/۰۴۲۷۲	۰/۱۴۱۶۵
γ_i	۱۵۱۷	۳۷۲/۵۲	۵۶۴/۳۲	۲۳۵/۰۴	۱۷۵/۷۶	۲۸۰/۳۷	۸۳/۶۷	۲۵۷/۰۴

مأخذ: بر اساس اطلاعات بودجه خانوار که سطح قیمت خانوار با روش ISUR برآورد شده است.

جدول (۱) نتایج حاصل از برآورد پارامترهای سیستم مخارج خطی با استفاده از مطالعات اقتصادسنجی در مناطق شهری را نشان می‌دهد. ضرایب β_i نشان دهنده آن است که بیشترین سهم نهایی مخارج خانوارهای شهری استان سمنان به هزینه مسکن با سهم ۰/۳۶ اختصاص می‌یابد یعنی چنانچه مخارج فرا معیشتی (مخارج اختصاص یافته به کالا پس از کسر حداقل معاش) یک ریال افزایش یابد مخارج اختصاص یافته برای مسکن، ۰/۳۶ ریال افزایش خواهد یافت و بعد از مسکن، خوراک و دخانیات با سهم هزینه نهایی ۰/۱۷۶ قرار دارند. کمترین سهم نیز به پوشاک با سهم هزینه نهایی ۰/۰۰۹ تعلق می‌گیرد و پس از آنها پوشاک، تفریح و تحصیل با سهم هزینه نهایی ۰/۰۴۲ قراردارد. پس هرگونه رشد درآمد (هزینه) خانوار شهری، بیشترین فشار را بر تقاضای مسکن دارد. همچنین با توجه به ضرایب γ_i بالاترین مقدار حداقل معاش به خوراک و دخانیات و بعد از آن به مسکن تعلق دارد. کمترین مقدار حداقل معاش مربوط به تفریح و تحصیل و بعد از آن حمل و نقل و ارتباطات است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-03]

جدول ۲. برآورد پارامترهای سیستم مخارج خطی خانوارهای روستایی استان سمنان

گروه کالا / پارامترها	خوراک و دخانیات	پوشاک	مسکن	کالا و خدمات در منزل	حمل و نقل و ارتباطات	بهداشت و درمان	تفریح و تحصیل	کالاها و خدمات متفرقه
β_i	۰/۴۸۷۱۲	۰/۱۶۵۱۶	۰/۰۶۷۵۶	۰/۱۰۹۰۹	۰/۰۳۲۲۱	۰/۰۴۸۵۳	۰/۰۳۷۱۷	۰/۰۵۳۱۶
γ_i	۱۱۵۸/۲۷	۲۵۸/۴۱	۴۰۳/۲۲	۲۲۳/۵۳	۱۳۱/۴۷	۳۳۲/۰۴	۹۹	۴۰۲/۲۷

مأخذ: بر اساس اطلاعات بودجه خانوار و سطح قیمت که با روش ISUR برآورد شده است.

جدول شماره (۲) نتایج حاصل از برآورد پارامترهای سیستم مخارج خطی با استفاده از مطالعات اقتصادسنجی در مناطق روستایی را نشان می‌دهد. ضرایب β_i نشان می‌دهد که بیشترین سهم هزینه نهایی خانوارهای روستایی استان سمنان به هزینه خوراک با سهم ۰/۴۸۷ اختصاص می‌یابد. بعد از خوراک در جذب مخارج فرامعیشتی پوشاک با سهم هزینه نهایی ۰/۱۶کالا قرار دارد. کمترین سهم نیز به حمل ونقل و ارتباطات با سهم هزینه نهایی۰/۰۳۲ تعلق می‌گیرد و بعد از آن به تفریح و تحصیل با سهم هزینه نهایی ۰/۰۳۷ اختصاص دارد. با توجه به ضرایب γ_i بالاترین مقدار حداقل معاش به خوراک و دخانیات و بعد از آن به مسکن اختصاص دارد. کمترین مقدار حداقل معاش نیز مربوط به تفریح و تحصیل است و پس از آن، حمل ونقل و ارتباطات قرار می‌گیرد.

حال با داشتن پارامترهای برآورد شده و با استفاده از رابطه $\sum P_i\gamma_i$ که نشان دهنده حداقل مخارج الزامی از کالای مورد نظر است، در جدول (۳) خط فقر در مناطق شهری و روستایی استان سمنان طی سه برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی به دست آمده است.

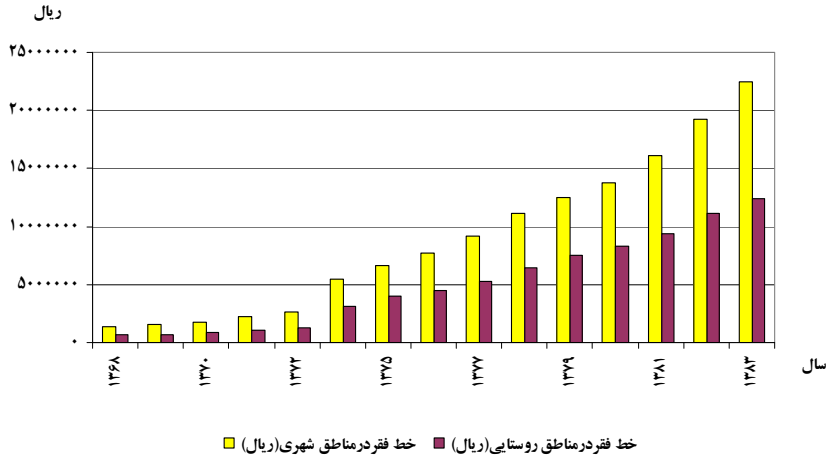
[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-03]

جدول ۳. خط فقر سالیانه خانوار مناطق شهری و روستایی استان سمنان طی سه برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی (۱۳۸۳-۱۳۶۸)

برنامه توسعه اقتصادی		سال	خط فقر در مناطق شهری (ریال)	خط فقر در مناطق روستایی (ریال)
برنامه اول توسعه اقتصادی	شروع برنامه	۱۳۶۸	۱۰۴۲۷۹۱/۵	۶۹۱۹۳۰/۶
		۱۳۶۹	۱۲۴۲۵۷۱	۷۲۷۷۷۲/۳
		۱۳۷۰	۱۳۹۱۳۰۰/۶	۸۶۱۰۲۱/۸
		۱۳۷۱	۱۷۳۴۸۵۸/۳	۱۰۵۳۷۶۹/۵
	پایان برنامه	۱۳۷۲	۲۰۳۹۰۱۶/۲	۱۲۹۷۴۵۶/۸
برنامه دوم توسعه اقتصادی	شروع برنامه	۱۳۷۴	۴۵۳۸۰۳۷/۲	۳۱۶۵۷۴۳/۹
		۱۳۷۵	۵۴۵۳۷۷۰/۸	۳۹۵۹۵۵۴/۴
		۱۳۷۶	۶۲۲۳۰۱۰/۸	۴۴۷۹۳۶۴
		۱۳۷۷	۴۷۶۰۹۳۹/۷	۵۲۸۵۹۵۱/۲
	پایان برنامه	۱۳۷۸	۹۰۶۸۳۰۰/۷	۶۴۴۱۶۲۸/۹
برنامه سوم توسعه اقتصادی	شروع برنامه	۱۳۷۹	۱۰۱۲۱۷۲۲/۸	۷۵۲۹۰۰/۸
		۱۳۸۰	۱۱۰۶۵۵۳۳/۳	۸۲۶۱۲۹۵/۸
		۱۳۸۱	۱۲۹۵۱۲۴۳/۹	۹۴۰۴۹۳۶/۴
		۱۳۸۲	۱۵۲۵۵۹۷۸/۳	۱۱۱۰۹۶۰۰/۶
	پایان برنامه	۱۳۸۳	۱۷۷۶۱۵۱۳	۱۲۴۰۹۶۱۱/۴

مأخذ: نتایج تحقیق براساس جدولهای (۱) و (۲) و سطح قیمت سالهای ۱۳۸۳-۱۳۶۸

نمودار ۱. مقایسه خط فقر سالیانه خانوار در مناطق شهری و روستایی استان سمنان طی سه برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی (۱۳۸۳-۱۳۶۸)



[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-03]

۲-۷. شاخصهای فقر مناطق شهری و روستایی استان سمنان طی سه برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی (۱۳۸۳-۱۳۶۸)

برای محاسبه شاخصهای فقر، داشتن اطلاعات مخارج متناظر با خط فقر و متوسط مخارج مصرفی سالیانه خانوارها در طبقات دهگانه درآمدی (هزینه‌ای) برای سه برنامه توسعه اقتصادی ضروری است. با توجه به اینکه خط فقر برآورد شده است، با استفاده از فرمول زیر متوسط مخارج مصرفی سالانه خانوارهای شهری و روستایی در دهکهای درآمدی (با استفاده از متوسط مخارج مصرفی خانوارها و آمار مربوط به توزیع درآمد بین طبقات دهگانه درآمدی با فرض اینکه توزیع هزینه‌های مصرفی خانوارها در دهکها خطی است) محاسبه می‌شود:

$$m_i = \frac{M_i}{n/۱۰} = \frac{M.\alpha_i}{n/۱۰} \qquad (۹)$$

$$\overline{m}_i = ۱۰.\overline{m}.\alpha_i$$

M: کل مخارج مصرفی خانوارها ($M = \overline{m}.n$)،

$\overline{m}$: متوسط مخارج مصرفی خانوارها،

n: تعداد خانوارهای کل جامعه،

M_i : کل مخارج مصرفی خانوارهای دهک i ام ($M_i = M.\alpha_i$)،

α_i: سهم دهک iام از کل مخارج مصرفی،

$\frac{n}{۱۰}$: تعداد خانوارهای دهک iام.

$\overline{m}_i$: متوسط مخارج مصرفی خانوارهای دهک i ام

اگر متوسط مخارج سالیانه خانوارهای یک دهک کوچکتر از مقدار هزینه متناظر با خط فقر در همان سال باشد، می‌توان نتیجه گرفت که تمام خانوارهای آن دهک زیر خط فقر زندگی می‌کنند. در صورتی که خط فقر در حد فاصل متوسط مخارج دو دهک قرار بگیرد، با استفاده از نسبت‌گیری خطی می‌توان درصد خانوارهای فقیر موجود در آن دهک را محاسبه کرد. سپس می‌توان با محاسبه تعداد دهکهایی که خانوارهای آن زیرخط

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-03]

فقر به سرمی‌برند و تعیین درصد خانوارهای فقیر موجود در دهک اخیر، شاخص سرشمار جامعه را برآورد کرد. همچنین شاخص شکاف فقر و شاخص فوستر، گریر و توربک با استفاده از فرمول آنها محاسبه می‌شوند.

جدول (۴) شاخصهای فقر مناطق شهری استان سمنان طی سه برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی (۱۳۸۳-۱۳۶۸) را نشان می‌دهد.

جدول ۴. شاخصهای فقر مناطق شهری استان سمنان طی سه برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی (۱۳۸۳-۱۳۶۸)

(درصد)

برنامه توسعه اقتصادی		سال	شاخصهای فقر		
			سرشمار	شکاف فقر	فوستر، گریر و توربک
برنامه اول توسعه اقتصادی	شروع برنامه	۱۳۶۸	۳۶/۰۲	۱۲/۲۲	۸/۱۲
		۱۳۶۹	۴۵/۳۹	۱۹/۳۶	۱۲/۶۵
		۱۳۷۰	۳۹/۶۲	۱۵/۰۱	۹/۳۳
		۱۳۷۱	۴۴/۲۵	۱۵/۴۵	۹/۴۸
	پایان برنامه	۱۳۷۲	۴۰/۴۳	۱۴/۵۲	۹/۱۵
برنامه دوم توسعه اقتصادی	شروع برنامه	۱۳۷۴	۴۱/۰۷	۱۶/۱۹	۱۰/۸۳
		۱۳۷۵	۴۴/۶۲	۱۶/۷۱	۱۰/۹۶
		۱۳۷۶	۳۸/۴۶	۱۰/۹	۵/۱۹
		۱۳۷۷	۲۹/۷۷	۹/۷	۵/۶۶
	پایان برنامه	۱۳۷۸	۲۵/۶۵	۵/۷۴	۲/۶۱
برنامه سوم توسعه اقتصادی	شروع برنامه	۱۳۷۹	۴۰/۱۱	۸/۸۶	۳/۷۹
		۱۳۸۰	۲۸/۹۸	۷/۴۳	۳/۷۰
		۱۳۸۱	۲۰/۷۶	۳/۵۸	۱/۲۸
		۱۳۸۲	۲۳/۳۳	۵/۱۷	۲/۵۷
	پایان برنامه	۱۳۸۳	۲۰/۸۶	۳/۷۱	۱/۴۱

مأخذ: با استفاده از آمار جدول (۳) و دهکهای هزینه‌ای در مناطق شهری.

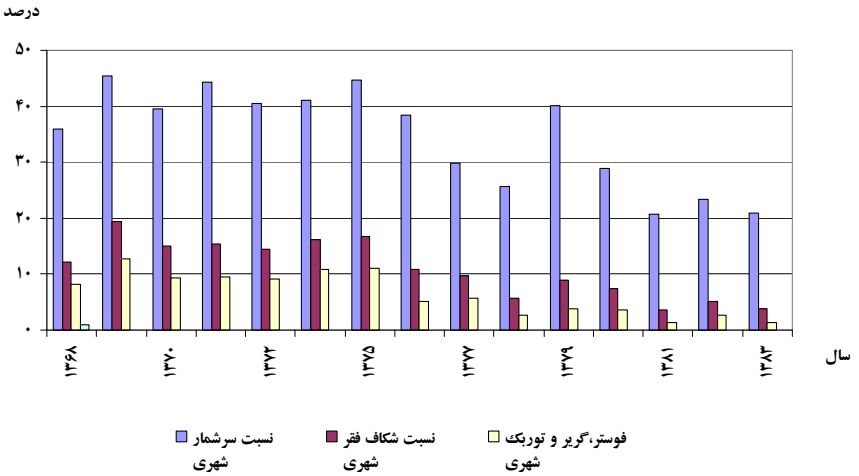
با توجه به جدول شماره (۴) و نمودار (۲) در سه برنامه پنج ساله توسعه (۱۳۸۳-۱۳۶۸) در مناطق شهری بین شاخصهای فقر این رابطه برقرار است:

شاخص فوستر، گریر و توربک < شاخص شکاف فقر < شاخص سرشمار

جدول (۵) شاخصهای فقر مناطق روستایی استان سمنان در سه برنامه توسعه (۱۳۸۳-۱۳۶۸) را نشان می‌دهد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-03]

نمودار ۲. مقایسه شاخصهای فقر در مناطق شهری استان سمنان طی سه برنامه توسعه اقتصادی (۱۳۸۳-۱۳۶۸)



جدول ۵. شاخصهای فقر در مناطق روستایی استان سمنان طی سه برنامه توسعه اقتصادی (۱۳۸۳-۱۳۶۸)

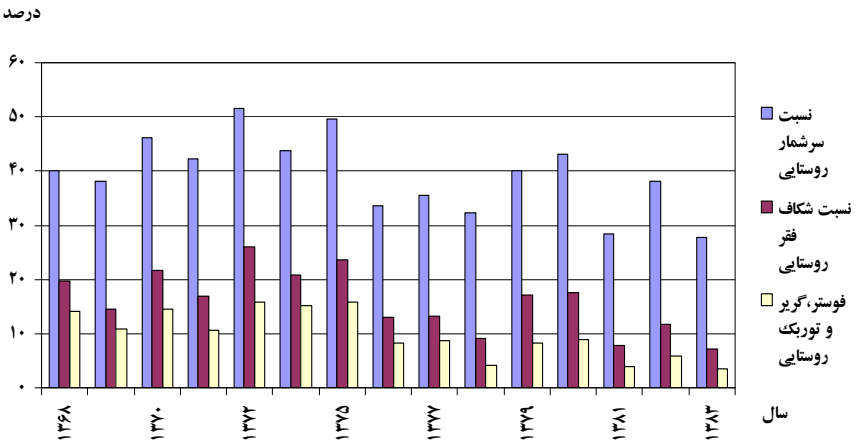
(درصد)

برنامه توسعه اقتصادی		سال	شاخصهای فقر		
			سرشمار	شکاف فقر	فوستر، گریر و توربک
	شروع برنامه	۱۳۶۸	۴۰/۰۲	۱۹/۶۳	۱۴/۰۵
برنامه اول توسعه اقتصادی		۱۳۶۹	۳۸/۰۷	۱۴/۴۳	۱۰/۷۵
		۱۳۷۰	۴۶/۱	۲۱/۶۹	۱۴/۴۹
		۱۳۷۱	۴۲/۱۶	۱۶/۹۱	۱۰/۶۰
	پایان برنامه	۱۳۷۲	۵۱/۵	۲۶/۰۱	۱۵/۷۹
	شروع برنامه	۱۳۷۴	۴۳/۸۴	۲۰/۸۹	۱۵/۱۹
برنامه دوم توسعه اقتصادی		۱۳۷۵	۴۹/۶۷	۲۳/۵۱	۱۵/۸۹
		۱۳۷۶	۳۳/۶	۱۳/۰۲	۸/۳۲
		۱۳۷۷	۳۵/۴۳	۳/۱۷	۸/۶۶
	پایان برنامه	۱۳۷۸	۳۲/۱۸	۹/۰۱	۴/۰۷
	شروع برنامه	۱۳۷۹	۴۰/۰۸	۱۷/۰۷	۸/۲۵
برنامه سوم توسعه اقتصادی		۱۳۸۰	۴۳/۱۴	۱۷/۶۱	۸/۷۸
		۱۳۸۱	۲۸/۳۲	۷/۷	۳/۹۷
		۱۳۸۲	۳۸/۰۳	۱۱/۷	۵/۸۰
	پایان برنامه	۱۳۸۳	۲۷/۸۳	۷/۱۹	۳/۵۰

مأخذ: با استفاده از آمار جدول (۳) و دهک های هزینه ای در مناطق شهری.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-03]

نمودار ۳. مقایسه شاخصهای فقر در مناطق روستایی استان سمنان طی سه برنامه توسعه اقتصادی (۱۳۸۳-۱۳۶۸)

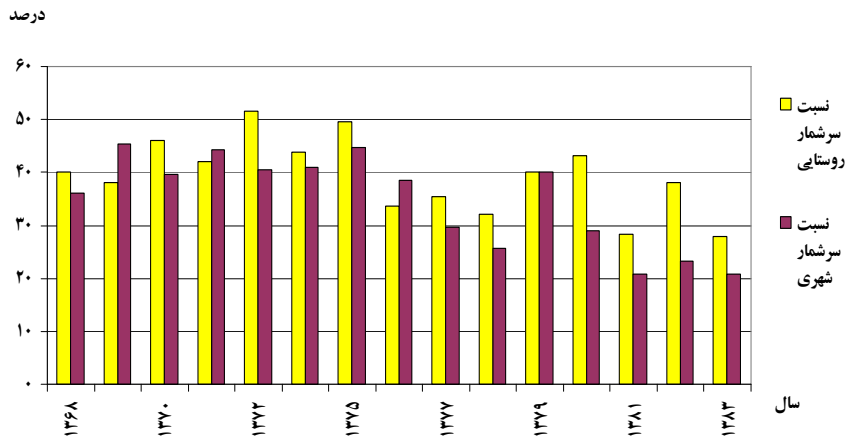


با توجه به جدول (۵) و نمودار (۳) در سه برنامه پنج ساله توسعه (۱۳۸۳-۱۳۶۸) در مناطق روستایی بین شاخصهای فقر این رابطه برقرار است:

شاخص فوستر، گریر و توربک < شاخص شکاف فقر < شاخص سرشمار

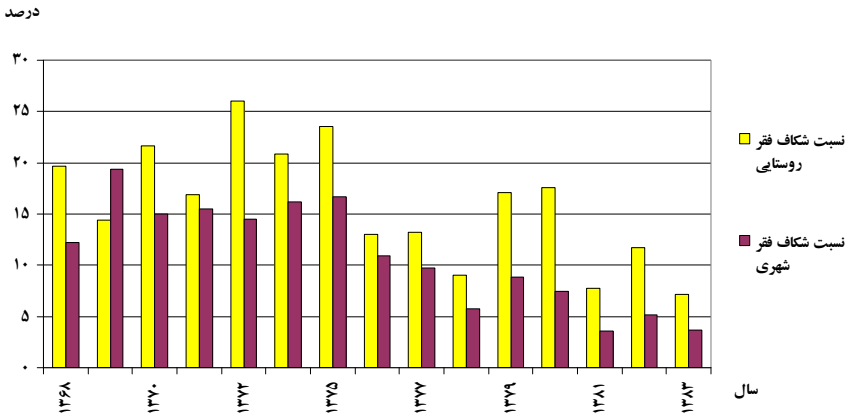
با توجه به جدولهای (۴) و (۵) و نمودارهای (۲) و (۳) طی برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی در مناطق شهری و روستایی، فقر افزایش و طی برنامه پنج ساله دوم و سوم توسعه اقتصادی، فقر کاهش یافته است.

نمودار ۴. مقایسه شاخص سرشمار فقر در مناطق شهری و روستایی استان سمنان طی سه برنامه توسعه اقتصادی (۱۳۸۳-۱۳۶۸)

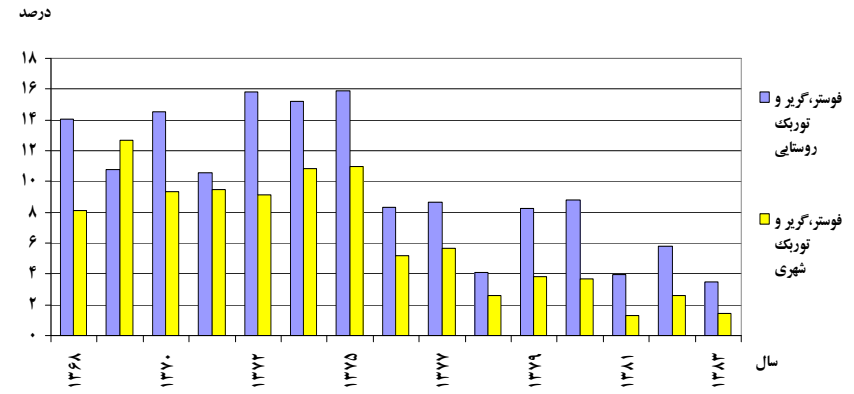


[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-03]

نمودار ۵. مقایسه شاخص شکاف فقر در مناطق شهری و روستایی استان سمنان طی سه برنامه توسعه اقتصادی (۱۳۸۳-۱۳۶۸)



نمودار ۶. مقایسه شاخص فوستر، گریر و توربک در مناطق شهری و روستایی استان سمنان طی سه برنامه توسعه اقتصادی (۱۳۸۳-۱۳۶۸)



با توجه به نمودارهای (۴)، (۵) و (۶) شاخصهای نسبت سرشمار، شکاف فقر و فوستر، گریر و توربک مناطق روستایی بیش از مناطق شهری است، در نتیجه نسبت افراد فقیر و عمق فقر در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری است.

با توجه به هدف اصلی پژوهش مبنی بر پاسخ به این سؤال که آیا سه برنامه توسعه اقتصادی تأثیر معناداری بر فقر استان سمنان داشته است یا خیر، نتیجه گرفته می‌شود که طی برنامه اول توسعه اقتصادی (۱۳۷۲-۱۳۶۸) نسبت افراد فقیر و عمق فقر در مناطق

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-03]

شهری و روستایی استان سمنان افزایش یافته است که نشان دهنده ناکارا بودن سیاستهای فقرزدایی برنامه اول توسعه اقتصادی است.

همچنین طی برنامه دوم توسعه اقتصادی (۱۳۷۸-۱۳۷۴) و برنامه سوم توسعه اقتصادی(۱۳۸۳-۱۳۷۹) شاهد کاهش نسبت افراد فقیر و عمق فقر در مناطق شهری و روستایی استان سمنان بوده‌ایم که نشان دهنده مناسب و کارا بودن سیاستهای فقرزدایی این دو برنامه توسعه اقتصادی است.

۸. نتیجه‌گیری

در این پژوهش ابتدا به بررسی مطالعات نظری فقر پرداخته شد. سپس براساس آمار هزینه - درآمد خانوار مناطق شهری و روستایی استان سمنان طی برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی (۱۳۷۲-۱۳۶۸)، برنامه پنج ساله دوم توسعه اقتصادی (۱۳۷۸-۱۳۷۴) و برنامه پنج ساله سوم توسعه اقتصادی (۱۳۸۳-۱۳۷۹)، با استفاده از سیستم مخارج خطی و روش رگرسیونهای به ظاهر غیرمرتبط تکراری خط فقر برآورد شد. از این رو با داشتن خط فقر، شاخصهای فقر یعنی شاخص سرشمار، شاخص شکاف فقر و شاخص فوستر، گریر وتوربک به تفکیک مناطق شهری و روستایی، طی سه برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی (۱۳۸۳-۱۳۶۸) محاسبه شد که نتایج زیر مشاهده گردید:

- طی سه برنامه توسعه اقتصادی خط فقر در مناطق شهری و روستایی روندی صعودی داشته است، به طوری‌که خط فقر شهری در ابتدای برنامه اول توسعه اقتصادی ۱۰۴۲۷۹۱/۵ ریال بوده که در انتهای برنامه سوم توسعه اقتصادی به ۱۷۷۶۱۵۱۳ ریال رسیده است. در مناطق روستایی نیز خط فقر در ابتدای برنامه اول توسعه اقتصادی ۶۹۱۹۳۰/۶ بوده که در انتهای برنامه سوم توسعه اقتصادی به ۱۲۴۰۹۶۱۱/۴ ریال رسیده است. همچنین ملاحظه می‌شود که خط فقر در مناطق شهری بالاتر از خط فقر در مناطق روستایی است.

- مقدار شاخصهای فقر در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری است، یعنی نسبت افراد فقیر، عمق فقر در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-03]

- با بررسی نتایج شاخصهای فقر استان سمنان طی سه برنامه توسعه اقتصادی، معنادار بودن تغییرات فقر مورد آزمون قرار گرفت و نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که طی برنامه اول توسعه اقتصادی (۱۳۷۲-۱۳۶۸) نسبت افراد فقیر و عمق فقر در مناطق شهری و روستایی استان سمنان افزایش یافته است که نشان دهنده ناکارا بودن سیاستهای فقرزدایی برنامه اول توسعه اقتصادی است. همچنین طی برنامه دوم توسعه اقتصادی (۱۳۷۸-۱۳۷۴) و برنامه سوم توسعه اقتصادی (۱۳۷۹-۱۳۸۳) شاهد کاهش نسبت افراد فقیر و عمق فقر در مناطق شهری و روستایی استان سمنان بوده‌ایم که نشان می‌دهد سیاستهای فقرزدایی این دو برنامه توسعه اقتصادی مناسب و کارا بوده‌اند.

منابع

الف) فارسی

ابوالفتحی قمی، ابوالفضل (۱۳۷۱)، *درآمدی بر شناخت شاخصهای نابرابری درآمد و فقر*، مرکز آمار ایران.

پژویان، جمشید (۱۳۷۵)، "فقر، خط فقر و کاهش فقر"، *مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی*، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی اجتماعی و انتشارات.

خداداد کاشی، فرهاد و دیگران (۱۳۸۱)، اندازه گیری شاخص‌های فقر در ایران، پژوهشکده آمار.

خسروی نژاد، علی اکبر (۱۳۷۴)، *ارزیابی تغییرات رفاهی مصرف کنندگان ایرانی با استفاده از شاخص هزینه‌های زندگی*، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

راوالیون، مارتین (۱۳۷۶)، *مقایسه فقر*، مترجم حمیدرضا اشراف‌زاده، وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۲)، "گزارش توسعه انسانی (سازمان ملل متحد) سال ۲۰۰۳ اهداف توسعه هزاره: پیمانی میان ملتها برای پایان دادن به فقر"، ترجمه فرشاد مؤمنی، محمدرضا واعظ مهدوی، حسین غفرانی، امیر عباس فتاح‌زاده و یاسر مالی.

شوبرت، دنات (۱۳۷۵)، "فقر در کشورهای در حال توسعه: تعریف، وسعت و رهنمودها"، مترجم: تیمور محمدی، *مجله برنامه و بودجه*، شماره۲.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-03]

صمدی، سعید (۱۳۷۸)، "کاهش فقر، کارایی و نابرابری در ایران"، رساله دکتری، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، شماره ۶۳۵.

عظیمی، حسین (۱۳۷۱)، *مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران*، تهران، نشر نی.

غلامی نتایج امیری، سعید (۱۳۷۷)، "بررسی مقایسه‌ای فقر در مناطق شهری استان مازندران و کشور"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، شماره ۵۵۷.

متوسلی، محمود و سعید صمدی (۱۳۷۸)، "شناخت جنبه‌های اقتصادی سیاستهای کاهش فقر"، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۵۵، ص ۹۸-۶۵.

مرکز آمار ایران، *سالنامه آماری (۱۳۸۳-۱۳۶۱)*، تهران: مرکز آمار ایران.

مرکز آمار ایران، *نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه - درآمد خانوارهای شهری (۱۳۸۳-۱۳۶۱)*، مرکز آمار ایران.

مهریار، امیرهوشنگ (۱۳۷۳)، "فقر: تعریف و اندازه‌گیری آن"، *مجله برنامه و توسعه*، شماره ۸، ص ۸۸-۳۹.

نادران، الیاس و سعید غلامی‌نتایج امیری (۱۳۷۹)، "کنکاش در وضعیت معیشتی مناطق شهری استان مازندران «سیاهی فقر در لابلای ترکهای سبز»"، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۵۷.

هاشمی، ابوالقاسم و علی اکبر خسروی نژاد (۱۳۷۴)،" سیستم مخارج خطی الگوی تقاضای خانوارهای شهری در ایران"، *مجله اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی*، بهار.

ب) انگلیسی

Booth, C. (1901), *Labour and Life of the Peoples*, London.

Foster, James, J. Greer and Erik Thorbecke (1984),"A Class of Decomposable Poverty Measure", *Econometrica*, No. 52, pp. 761-60.

Ravallion, Martin and Menno Pradhan (1998), "Measuring Poverty Using Qualitative Perceptions of Welfare", Policy Research Working Paper, No. 2011, The World Bank.

Sen, A. (1976), "Poverty, An Ordinal Approach to Measurment", *Econometrica*, Vol. 44, No. 2, pp. 21-23.

Townsend, Peter (1985), "Asociological Approach to Measurement of Poverty: A Rejoinder to Professor Amartya Sen", *Oxford Economic Papers*.

World Bank (2003), "Iran Medium Term Framework for Transition: Converting Oil Wealth to Development", April 30.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-03]

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-03]